



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



محمد صالح گردش

18/10/2023

چرا بوقلمون و هم چرا فیل مرغ؟

با آنکه نمی خواستیم تحت چنین عنوان، مطلبی بنویسیم اما از اینکه یک تعداد دوستان، بوقلمون یا ابوقلمون، اسم دیگر فیل مرغ (پیل مرغ) را به معنی پدر قلم دانسته و مدعی اند که از پره‌های این مرغ در گذشته‌ها قلم می ساخته اند، سبب گردید تا این نوشته کوتاه را بنگارم. با توجه به اسم این مرغ و بنا به ادعای آن عده افراد در گذشته‌ها از پره‌های این مرغ قلم می ساخته اند و یا نه، کاری ندارم اما بوقلمون یا ابوقلمون معنا و توجیه دیگری نیز دارد:

در تمام فرهنگ‌ها از جمله لغت نامه دهخدا و فرهنگ عمید، با استناد از فرهنگ‌های قدیم‌تر دیگر، بوقلمون چنین معنی گردیده است: دبیای رومی رنگارنگ، پارچه‌ای که نمایش چند رنگ بدهد، هر چیزی رنگارنگ یا رنگ به رنگ شونده. بوقلمون مرغی است از نوع ماکیان، بزرگتر از مرغ خانگی، بیشتر به رنگ سیاه، سر و گردنش بدون پر و دارای آویزه‌های نرم گوشتی. نر آن دارای دم پهن است، ماده آنرا هر وقت بخواهند میتوانند با دادن شاهدانه کرچ کنند که روی تخم بخوابد و جوجه وا کند، نر آنهم روی تخم میخوابد و جوجه وا میکند. اصلاً از امریکای جنوبی است، ابوقلمون و پیل مرغ هم گفته شده. ر.ک: (فرهنگ عمید. ذیل بوقلمون) در فرهنگ دهخدا این مرغ از پرندگی‌های بومی هندوستان دانسته شده و در ذیل این اسم به نقل از ناظم الاطباء چنین میخوانیم: یک قسم مرغ بزرگی از طایفه ماکیان‌ها که بومی هندوستان بوده و از آنجا به بسیار جاها برده شده و آنرا بیروح نیز میگویند (لغت نامه دهخدا. ذیل کلمه بوقلمون) همچنان بوقلمون با استناد از فرهنگ فارسی معین در لغتنامه دهخدا معرب و محرف از «خاما نیلئون» یونانی دانسته شده و آن دبیای رومی است که رنگ آن متغیر نماید.

پیش از کودتای هفت ثور در باغچه حویلی مان همیشه سه یا چهار بال ازین مرغ را نگه میداشتند که بیشتر در زمستانها از گوشت آن استفاده می گردید. از همان زمان متوجه گردیده بودم که این مرغ و بخصوص نر آن رنگ گوشته‌های سر و کشاله‌های بالای نول و نیز زیر نولش در مواقع اضطراب و عصبانیت و خشم تغییر می کند. اگر بیگانه‌یی در حویلی قدم می گذاشت پر و بالهایش را می گستراند و رنگ گوشته سر و کشاله بالای نول و زیر نولش به رنگ سفید و خاکستری و آبی در می آمد و بی محابا به شخص و یا فرد ناشناس حمله ور می شد. یادم است که آنقدر با شدت عصبانیت حمله ور می گردید که طرف مقابل چاره جز گریز و پنهان شدن را نداشت. موضوع تعویض رنگ کردن این پرندگی در بعضی نوشته‌های معلوماتی در باره این حیوان نیز آورده شده است. پس بی مناسبت نبوده که بیشتر مردم ایران این پرندگی را که در حالات اضطراب رنگ عوض می نماید، بوقلمون نامیده باشند. چنانکه در بالا گفته شد این کلمه معرب و محرف کلمه یونانی خاما نیلئون که اسم دبیای متلون رومی است دانسته شده است. پس بوقلمون از این دید و نگاه به معنی پدرقلم نخواهد بود و این کلمه در اصل عربی و از ریشه کلمات یونانی است.

شاید به همین نسبت بوده باشد که بوقلمون در زبان پارسی-دری کنایه از فردی است که همیشه رنگ عوض کند و یا چون گل آفتاب گردان به هر سویی که آفتاب قرار گیرد به همان سو رو بگرداند و تغییر جهت دهد. مانند یک تعداد تحصیلکرده‌های قلم بدست و شاعران مداح کشور ما که گاه کمونست و گاه مجاهد و در اخیر شئونست قومی و زبانی و عامل و

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

مسبب بیشتر جنگ های قومی و زبانی سی سال اخیر و رفاص و دلچک هر بزم گردیدند و اخیراً نیز با گریز باداران شان تاب زیستن در دیار را نیافتند و از دنبال همان ها به کشور های دگر پناه بردند. آن ها که زمانی بخاطر کلمات پوهنتون و دانشگاه جنگ می افروختند، مطمئن ام که چند سال بعد زبان خانواده های شان انگلیسی و آلمانی و فرانسوی خواهد بود و نه پشتو و دری و ترکی. از اینجا رفتند زیرا دیگر کدام رنگی که می توانستند خود را با محیط منطبق سازند، در وجود خود نیافتند و اما با کشت اندیشه های ضد ملی و تفرقه انگیز شاید ده ها سال دیگر این مردم را در ناآرامی قرار داده باشند. با این تفاوت که البته فیل مرغ از روی عصبانیت رنگ عوض می کند و نه چون تحصیلکرده های ما موافق محیط و شرایط.

این که مردم افغانستان این مرغ را تشبیهاً «فیل مرغ» یا «پیل مرغ» گفته اند نیز بی مناسبت نیست و اسمی است با مسمی، زیرا این مرغ نسبت داشتن خرطوم یا همان گوشت کشاله بی که از بالای نولش به یک طرف آویزان می ماند را به خرطوم پیل تشبیه نموده و به اسم فیل مرغ مسمی اش ساخته اند. در زبان انگلیسی به فیل مرغ، «ترکی» می گویند. در ترکیه به آن «مرغ هندی» در هند به آن «پرو» در عربی «مرغ یونانی» در یونان «مرغ فرانسوی» و در فرانسه «مرغ هندی» گویند. در ایران به صورت عموم بوقلمون گویندش ولی در مراغه و تبریز به آن «هشترخان» گویند و هشترخان یکی از نواحی زنجان ایران است که شاید منسوب به همان منطقه باشد. در اردبیل این مرغ را «هندوشکا» یاد می کنند. طوری که گفته شد یک تعداد خاستگاه این مرغ را امریکا و تعدادی هم سرزمین هند دانسته اند اما باز هم بطور مشخص معلوم نیست که خاستگاه و زادگاه اصلی این مرغ کدام نقطه زمین بوده باشد؟ همچنان فیل مرغ از لحاظ زیستی دو نوع است، یکی همان نوع که اهلی و خانگی بوده و از لحاظ جسامت بزرگ اند، اما قدرت و توان پرش و پرواز را ندارند. دوم آن که کمی نسبت به فیل مرغ های خانگی کوچکتر و در جنگلات امریکا می زیند. تا فاصله صد متر پرواز نموده و در بالای درختان نیز می نشینند و با این ویژگی داشته، خود را از تیر رس شکارچیان می رهانند. از آنجایی که در هند این مرغ را «پرو» گویند مرا به فکر سرزمین پرو مربوط امریکای جنوبی می اندازد و تا جایی که در باره این مرغ جستجو نموده ام این مرغ توسط ملوانان هلندی به سرزمین های اینسو آورده شده است و هم استناد دیگر اینکه نوع دوم آن به شکل وحشی در جنگلات امریکا زیست دارند. پس بی مناسبت هم نیست که هندیان آنرا پرو گفته اند. اما در اندونیزیا این مرغ را ترکی می گویند که شاید از تأثیر گذاری فرهنگ زبان انگلیسی بوده باشد، باوجودی که هالندی ها نیز سالیان متمادی به کشور اندونیزیا تسلط داشته اند و اما از روی اسم این مرغ به نظر می آید که فیل مرغ توسط انگلیسی ها به آن سرزمین منتقل شده باشد. در کشور های امریکایی همه ساله به تاریخ 22 نوامبر یک جشن شکر گزاری برپا می گردد که بیشتر خانواده ها آن جشن را با پختن فیل مرغ برگزار می نمایند که از دید من شاید این جشن پیشینه بیشتر در دل تاریخ امریکا داشته و از سرخ پوستان به عاریت گرفته شده باشد.